

نگرشی بر حوزه‌های علمیه

□ دوران خلافت

آغاز تحول

■ دوران خلافت:

در اصطلاح مورخین اسلامی، «دوران خلافت»، زمامت پنج خلیفه نخستین پس از پیامبر (ص) را می‌گویند. که نام و دوران زمامداری آنان بدین گونه است:

- ۱- ابوبکر حدود ۲ سال و چهار ماه
- ۲- عمر بن الخطاب ۱۰ سال و شش ماه و چند روز
- ۳- عثمان بن عفان حدود ۱۲ سال
- ۴- حضرت علی علیه‌السلام ۴ سال و نه ماه و چند روز
- ۵- امام حسن مجتبی علیه‌السلام ۶ ماه و چند روز

دوره بعد را که از به قدرت رسیدن معاویه آغاز می‌شود «دوران پادشاهی» می‌نامند (۱).

حوزه و دانشگاه

ویژگی‌های غیر علمی

این جنگها اثرات عمیقی بر نواحی مختلف مکتب نهاد. هنوز خیلی از آنها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، خصوصاً جنگهای داخلی. از نظر فرهنگی و فکری نیز تأثیر فراوانی داشته‌اند. صرف‌نظر از مسائل متعدد فقهی، عقیدتی، سیاسی... که بخاطر جنگها پیش می‌آمد- مسائلی همانند: خمس، بردگی، خراج، زمین...- دو مسأله بسیار مهم که یادگار علمی این دوران بشمار می‌رود، تحت تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیم جنگها بوده‌اند. یکی: گردآوری قرآن، و دیگر: تدوین و نگارش سنت، تفصیل این موضوع در همین بررسی دوران خلافت خواهد آمد انشاءالله.

اهمیت این جنگها- و بطور کلی: دوران خلافت- در دو موضوع دیگر بیشتر نمایان است:

اول: اسلام آوردن اقوام و ملل غیر عرب. این افراد که بعدها با نام «موالی» شناخته شدند، گامهای مؤثری در طرح و تدوین فرهنگ اسلامی برداشتند. اینان در تمام رشته‌های علمی مطرح شده در جامعه اسلامی، حتی در علم لغت عرب^(۱)، بردیگران پیشی گرفتند. برای نمونه می‌توان از «صحاح سته» نام برد. این شش کتاب از با بارزترین کتابهای حدیث در جامعه اهل سنت بشمار می‌رود. تمام مؤلفین آنها غیر عرب و ایرانی می‌باشند: چهارتن آنان خراسانی- البته خراسان آنروز- یک تن قزوینی، و یک سیستانی، در شعبة نیز از چهار کتاب بعنوان صحیحترین مصدر حدیث نام برده می‌شود، و هرسه مؤلف^(۲) آنها نیز ایرانی هستند: شیخ صدوق از قم، کلینی از ری (تقریباً تهران فعلی) شیخ طوسی از خراسان. در بحثهای آینده، این موضوع را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار خواهیم داد، ولی این نکته را باید در نظر داشت که بروز نقش عمده عناصر غیر عرب در دوران بنی‌عباس به بعد است، مثلاً در همین دوران خلافت- که مورد نظر ماست- بیشترین تأثیر در اختیار عناصر عربی یعنی صحابه پیامبر^(ص) قرار داشت. این تأثیر منحصر به زمینهای اجرائی، به خاطر ضرورت خلافت آنان نبود، بلکه در زمینهای فرهنگی و علمی نیز بزرگترین نقش را ایفاء نمودند. در همین زمانها، شهر مقدس مدینه نه فقط به عنوان یک پایگاه پر قدرت سیاسی نظامی مطرح می‌شد، بلکه مرکز بررسی و حل مشکلات فرهنگی اسلامی نیز به شمار می‌رفت. همین نقش را- تا حدودی- کوفه در اواخر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی‌السلام داشت.

دوم: بوجود آمدن چندین شهر مهم که بعدها بصورت مراکز بسیار با اهمیت درآمدند. از میان آنها می‌توان از دوشهر مهم بصره و کوفه نام برد. این دوشهر در زمان عمر، و بیشتر به خاطر تدارکات نظامی، پایتیزی

گرچه محور اساسی بحثها حوزه‌های علمی ورشد و بالندگی فرهنگ اسلامی است، ولی برای آشنائی بیشتر با مینمهای علمی، ناگزیر باید به بیان برخی از ویژگی‌های این دوره در رابطه تنگاتنگ با علوم و فرهنگ بپردازیم. باره‌ای از خصوصیات را چنین می‌توان بیان نمود:

۱- طرح یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مسائل مکتب، که بیشترین تأثیر را بر کل جریان مکتب در همه بعد آن و در همه جریانات تاریخی بعد بجای گذاشت.

فنی: مسأله امامت و ولایت. مسأله امامت، حادثه‌سازترین مسأله بعد از وفات پیامبر^(ص) تا زمان حاضر، بزرگترین عامل به وجود آمدن فرقه‌های مختلف اسلامی، و تقریباً بنیاد همه مسائل عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، فقهی... بشمار می‌رود.

بررسی و تحلیل این مسأله خود نیاز به سلسله بحثهای طولانی دارد اما آنچه اشاره به آن ضروری است، تأثیر ژرف و عمیق این مسأله بر کل جریانات علمی و فرهنگی حوزه‌های اسلام در سالها و بلکه قرن‌ها- تا زمان حاضر- می‌باشد. هنوز آراء و اقوال خلفاء مذکور- به ویژه، خلیفه دوم و چهارم- در لابلای متون اسلامی جایگاهی فیع دارند. اکثر آنان در مکتب خویش شاگردانی تربیت کردند. همین تربیت شدگان بعدها نقش بسیار اساسی در پیدایش مذاهب و فرقه‌های گوناگون اسلامی ایفاء نمودند. بعدها خواهیم دید چگونه با هجرت امیرالمؤمنین علی‌السلام بکوفه، این شهر جدید التاسیس بصورت یک مرکز علمی فرهنگی پرمایه درمی‌آید و تا بیش از یک قرن یکی از پرشورترین حوزه‌های شیعه محسوب می‌شود. و این درست برخلاف مدینه، که نباید آنرا مرکز اساسی انتشار مکتب خلفاء- غیر از حضرت علی‌السلام- دانست.

خلال بحثهای آینده، توضیحات کافی پیرامون مطالب فوق خواهد آمد، انشاءالله.

۲- یک رشته جنگهای طولانی سرنوشت ساز که منجر به تثبیت وضع سیاسی، نشر و قبول فرهنگ اسلامی در میان ملتها، برخورد فرهنگها و تمدنهای مختلف با جامعه اسلامی که بنوبه خود ابعاد گوناگون مکتب را آشکار ساخت، ایجاد یک حکومت قوی و نیرومند در جهان آنروز، نابودی طاغوت- در چهره‌های مختلف- نجات انسانیت از بند اسارتها..... گردید.

شدند. مصر نیز در این ایام به جریگه کشورهای اسلامی پیوست. همین کیفیت پیدایش آنها، و تحولات بعدی، برای آنها ویژگی‌هایی به وجود آورد که در سرنوشت آینده‌شان تأثیر بسزائی داشت.

در اینجا بیش از این پیرامون جنگهای صدر اول سخن نمی‌گوئیم، که تحلیل آن نیاز به فرصتی دیگر دارد، فقط برای تصور و تجسم بیشتر آثار و پی‌آمدها، به صورت فشرده و گذرا، مروری بر آنها داریم: ایوب‌گر نخست به سرکوبی عناصری که از پرداخت زکات سرباز زدند و همچنین افرادی که به مسیلمه پیوستند (باصطلاح: مرتدین) پرداخت، و سپس به شامات روی آورد. در زمان عمر بقیه کار ایوب‌گر در قسمت خاورمیانه پیگیری، و تقریباً تمامی خاورمیانه به جریگه اسلام پیوست. ایران نیز به وسیله او اختیار اسلام نمود. در زمان عثمان افریقا، اندلس و شهرهایی از ایران در خراسان و فارس نیز به کشورهای

اسلامی افزوده شد حضرت علی علیه‌السلام در سه جنگ داخلی (اولی در بصره، دومی در صفین، و سومی در نهروان) به تصفیه عناصر فرصت طلب و پانادان که علیه حکومت حقه اسلامی به آشوب و قیام مسلحانه دست یازیدند، پرداخت. امام حسن علیه‌السلام نیز به یک جنگ داخلی با معاویه پرداخت که با خیانت بعضی از فرماندهان، و نظر به شرایط خاص زمانی، به صلح با معاویه مجبور شد. با سلطه چهارانه معاویه مسیر خلافت به کلی منحرف و ارزش‌های ضد اسلامی به صورت علنی بر جوامع اسلامی حاکم گشت.



چون هدف اصلی ما بررسی جنبه‌های علمی این دوره از تاریخ اسلام است، به همین مقدار از ویژگی‌های غیر علمی اکتفاء می‌نماییم و به بحث اصلی می‌پردازیم.

■ دوره خلافت و حرکت علمی:

آنچه در این دوره به عنوان علوم اسلامی - در محتوی و در روش - مطرح بود، به دودسته تقسیم می‌شوند:

۱- موارد مشترک، به معنای استمرار و ادامه آنچه در دوران پیامبر گرامی (ص) وجود داشته است.

۲- ویژگی‌های علمی، که در رابطه با خصوصیات این دوره، طرح و عرضه گردید.

الف: موارد مشترک: محتوی و روش بسیاری از علوم اسلامی همچون دوران پیامبر صلی‌الله علیه و آله چهرة اصلی خود را حفظ نمود:

۱- قرآن به عنوان اصلی‌ترین زیربنای فکری مکتب، همچنان در این زمان، مطرح بوده

است. اگر در تاریخ می‌بینیم در حیات پیامبر (ص) به افراد تازه مسلمان تعلیم داده می‌شد، در این دوره همین تعلیم و تعلم با شور و شوق و عشق و ایمان بیشتری انجام گرفت، مخصوصاً باگردآوری قرآن، به همگانی کردن و سهولت آموزش آن کمک فراوانی نمودند. هر چه از زمان وحی می‌گذشت، نیاز به فهم و تدبر در آیات الهی بیشتر محسوس می‌گشت، و بدینسان در همین زمان نخستین پایه‌های «تفسیر» شکل گرفت.

۲- مسجد همچنان به عنوان مرکز اصلی آشنائی با مکتب باقی ماند. در این دوره - همچون زمان پیامبر (ص) - از مکان مخصوصی - به نام مدرسه یا دانشگاه - نام نمی‌برند و در حقیقت مسجد، هم عبادتگاه و هم آموزشگاه به شمار می‌رفت^(۴). اگر چه مسجد پیامبر (ص) در مدینه به عنوان مرکز اصلی در همه زمینه‌ها به شمار می‌رفت، ولی مساجد جدیدی که در شهرهای مختلف اسلامی تأسیس می‌گردید، همچنان به عنوان حوزه علوم اسلامی شناخته می‌شدند. استفاده از مسجد به عنوان مرکز آموزشی، مبتنی بر اصول اساسی اسلام بود، که خودسازی خداپسندان (عبادت) را زیربنای هر گونه حرکت سازنده می‌داند. امت اسلامی همراه با عبادت، قرآن و سنت را، با همه شمول و وسعه آن می‌آموخت، یعنی: زندگی را، انسان بودن را، خداگونه شدن را.

برای تصوّر نقش عمده مسجد، باید در نظر داشت، در آن زمان، جز به خاطر ضرورت - همچون بیماری، دوری راه، ... افراد مسجد را ترک نمی‌کردند.

۳- باتوجه به نکته بالا، به خوبی روشن می‌گردد که دانشجویان این دانشگاه عظیم همه مردم بودند. همه مکلف بودند - به حسب استعداد و قابلیت خود - بیاموزند، و به آنان که حاضر نبودند یاد دهند، از پیامبر گرامی (ص) گفتاری نقل شده که: طلب‌العلم فریضة علی کل مسلم^(۵)،

و بدینسان لزوم آموزش عمومی را اعلام فرمود. این هدف اصلی پیامبر عظیم‌الشان (ص) بود که امتی آگاه و با بصیرت، مؤمن و فداکار بوجود آورد.

۴- استادان این دانشگاه همگانی، بر اساس و معیار علم و تقوی و صلاحیت‌های روحی و معنوی انتخاب می‌شدند. البته نه انتخاب به معنای امروز، بلکه در واقع یک نوع خود انتخابی و خود جوشی بود. در این دوره، بیشتر از صحابه قدیمی به عنوان معلم معین می‌شدند. آنان که زمان درازی را با حضرتش گذرانده بودند - خصوصاً

اصطلاحات پیچیده و «مطلقن» علمی و اختصاصی بکار گرفته نمی‌شد. مردم مسائل روزمره زندگی را، با مکتب تطبیق می‌کردند. مشکلات و سختی‌ها گفته می‌شد و با همان اخلاص و سادگی برنامه طرح می‌گردید. نقل شده: عثمان در روز جمعه هنگام اذان، بر منبر می‌نشست و از مردم درباره نرخها و بیمارانشان می‌پرسید (۸).

□ ب- ویژگی‌های علمی: در این دوره به چند خصوصیت برخورد می‌کنیم که در حرکت فرهنگی جامعه اسلامی اثر عمیقی گذاشت. برخی از آنان نسبتاً اثر محدودتری داشته‌اند و بعضی مؤثرتر. مثلاً تعیین تاریخ هجری در نامه‌های رسمی، در زمان عمر، به سال ۱۶ هجری، اگر چه بعدها در شئون مختلف جامعه اسلامی تأثیر نهاد، ولی در درجه دوم اهمیت نسبت به مسأله‌ای چون گردآوری قرآن قرار دارد.

در شماره آینده به بیان مهمترین خصوصیات علمی فرهنگی این دوره می‌پردازیم، و سخن را از گردآوری قرآن شروع می‌کنیم، انشاءالله تعالی.



۱. تاریخ الخلفاء (سیوطی): ص ۹. سنوات یادشده نیز از همین کتاب و کتاب تملک‌المنتهی اقتباس شده است.
۲. از سیبویه به عنوان بزرگترین نحوی یادمی‌شود که خود ایرانی- از حدود شیراز- می‌باشد.
۳. دو کتاب (تهذیب و استبصار) از یک مؤلف است.
۴. در صدر اسلام، مسجد، کارائی بیشتر از یک آموزشگاه را داشته، ولی نظر ما فعلاً به این جنبه آن است.
۵. در مقاله شماره گذشته راجع باین حدیث سخن گفتیم.
۶. تاریخ الخلفاء ۷۸. حقوق روزانه او را به تعدادی دیگر نیز نقل کرده‌اند.
۷. این تمیضها به صورت کلی، یکی از مشکلات زمان حکومت حضرت هلی علی‌السلام درآمد. مردمی که حدود ۲۲ سال بسانوعی از تبعیض عادت و آنرا عدالت اسلامی می‌پنداشتند، ناگهان با حکومت ضد تبعیض امام علی‌السلام روبرو می‌شوند و در نتیجه کردند آنچه کردند.
۸. تاریخ الخلفاء: ۱۶۴.

که از اول اسلام حاضر در صحنه بودند، همچون ت علی علی‌السلام- اینک برای مسلمانان، به تعلیم و سنت ایستادند. بسیاری از صحابه در همین دوره، بان «والی» و «حاکم»، به شهرهای جدید گمارده ... و بدینوسیله درحوزه فعالیت اجرائی خود، به وظیفه حقایق اسلامی، در میان توده‌های مردم، واز پایگاه برد، پرداختند.

۵- از نظر بودجه، در این دوره نیز، مانند زمان (۶) برای آموختن ویا آموزش مسائل اسلامی- بودجه تعیین نشده بود. افراد ضمن داشتن کار و کسب، که تأمین زندگی آنانرا می‌نمود، به یادگیری دادن فرهنگ اسلامی می‌پرداختند. باید اضافه کرد، به بودجه خاصی برای معلم و شاگرد نبود ولی برای بعضی افرادی که مسئولیت اجرائی داشتند، از شخص یا تا والیان شهرها، بودجه‌ای تعیین شده بود، تا بتوانند مال راحت به مسئولیتهای محوله بپردازند. از عطاء نقل ابو بکر پس از بیعت گرفتن از مردم صبح عالی که سه پارچهای در دست داشت بوی بازار رفت، عمر پرسید: کجا؟ گفت: بازارا پرسید: می‌خواهی؟ در حالیکه تو حاکم مسلمانانی! گفت: اگر پس چگونه زندگی را بگذرانم... و آنگاه می‌گوید که با ابوعبیده تصمیم گرفته برای او هر روز نیم گوسفند تاک لازم از بیت‌المال قرار دهند. (۱)

نکته دیگری که در همین رابطه مناسب است گفته حقوقی است که عمر به افراد می‌داد و آن به حسب توصیات روحی و علمی، سابقه در اسلام، از مهاجر بار بودن، شرکت داشتن در جنگهای اولیه (بدر، ...) و ... فرق می‌کرد. بلاذری در کتاب با ارزش جالبندان (ص ۴۳۷ به بعد) پارهای از آنها را آورده، که نمونه از آنها ذکر می‌کنیم: کسانی که در بدر شرکت کنند، هرنفر ۵۰۰۰ درهم در سال کسانی که ایمان آنان ایمان اهل بدر بود و هجرت به حبشه نمودند، هرنفر ۴۰۰۰ درهم در سال. فرزندان بدری‌ها، هرنفر ۲۰۰۰ درهم سال. مگر امام حسن و امام حسین علیهما السلام که هر کدام ۵۰۰۰ درهم در سال قرار داد.

از سوی دیگر، عثمان نیز همین شیوه را در پیش رفت، ولی به جای ارزیابی سوابق افراد، معیار برتری را نسبت فامیلی باخلفیه قرار داد، کاری که بعدها به نوبت یکی از بزرگترین ایرادات عثمان به شمار رفته، و از عوامل اساسی قتل او شمرده می‌شود. (۷)

۶- سادگی و روشنی مفاهیم، همچون دوره رسالت این مرحله نیز تا حدود زیادی حفظ شده است. هنوز